



فاطمه سلیمی

عضو هیئت رئیسه شورای اسلامی شهر مشهد

(آفاق)

جایگاه ارزشمند زنان در شهرها

زن در عالم هستی و در همه ادوار تاریخ، نمادی از جریان زندگی و روح بخشی و انسان سازی و اعتلاگری است. زنان رهبران فکری و عاطفی جامعه هستند که قادرند با ابعاد روحانی خویش سرمایه های ارزشمند انسانی را به بالندگی و شکوفایی برسانند.

فارغ از دین و مذهب، همه زنان در جایگاه انسانی دارای ۳ نقش فردی، خانوادگی و اجتماعی اند با این تفاوت که در برخی از مذاهب و ادیان، برخی نقش ها کم رنگ شده یا از فلسفه اصلی خود خارج شده اند و در جهان واقعی، مصداق درستی نیافته اند. این امر ناشی از نداشتن الگویی کامل در مصداق سازی دنیای واقع است. الگوپذیری به فرایندی اطلاق می شود که در آن، رفتار یک فرد یا گروه به مثابه محرکی برای افکار، نگرش ها یا رفتارهای شخص یا اشخاصی دیگر به کار گرفته شود. به عبارت دیگر، الگوپذیری یعنی فرایند پیروی از یک مدل عینی و راهنمای عملی در رفتار و کردار که به تسهیل نقش آفرینی درست بر اساس ارزش ها منجر می شود.

نقش مدیریت شهری در الگوسازی و ارتقای زنان

شهر یکی از بزرگ ترین دستاوردهای بشری است که شکل آن همواره برآمده از مجموعه تصمیمات متولیان مدیریتی و ساکنان آن است و چگونگی رویکردهای توسعه ای افراد آن وابسته به تجمیع رویکردهای این تصمیمات است. مجموع آن قدرتی است که به زاده شدن محورهایی در راستای دستیابی به تعالی یا رکود توسعه انسانی منجر خواهد شد. اهمیت رویکردهای شهری در جهان شهری چون مقدس مشهد به عنوان پایتخت معنوی ایران و دومین کلان شهر مذهبی جهان که با برخورداری از بارگاه ملکوتی حضرت رضا^(ع) علاوه بر شهروندان و مجاوران، میزبانی از زائران حضرت رضا^(ع) را بر عهده دارد دوچندان است. متأسفانه هم اکنون، چندان که در شأن جهان شهر مقدس مشهد با شعار «تجسم برکت و کرامت» باشد، الگوسازی در اقشار مختلف به ویژه جوانان و دخترانمان تسری نیافته است. در این میان، نقش مسئولان شهری، شورای شهر و کمیسیون های مرتبط در ایجاد بسترهای ارتقا و تعالی و فراهم آوری زمینه های الگوسازی

در خور توجه است. اهمیت معرفی الگوهایی انسان ساز که مسیر رشد و توسعه را تسهیل کنند بر عهده مسئولان و دغدغه مندانی است که ابزارهای لازم را در دست دارند. بر این اساس، یکی از رویکردهای شورای شهر در دوره ششم، با تأکید بر ارتقای کرامت زنان و از دریچه آن، کرامت جامعه، بر این اساس شکل خواهد گرفت تا نمادهای قابل الگوبرداری را در همه موضوعات رشد و توسعه به جامعه معرفی کند و زمینه های آشنایی زنان و دختران شهر علی بن موسی الرضا^(ع) با این الگوها بیش از پیش میسر و انعکاس رفتارهای منطبق بر نمادهای متعالی انسانی در رفتار و شخصیت و عملکرد تمامی زنان پدیدار شود.

فاطمه (س) الگویی فراتر از زمان و مکان

حضرت فاطمه زهرا^(س) در کنار مجموعه صفات ایمانی و اعتقادی شان که مختص زن مسلمان است، در مقام یک زن، ویژگی هایی عمومی دارند که برای همه گروه ها مناسب است. ایشان در سبک زندگی خود، یعنی نقش و جایگاه فردی، در نقش خانوادگی خود، یعنی مادری و همسری، و در نقش اجتماعی و سیاسی خود، مصداق اعلامی یک زن کامل هستند. این بانوی بزرگوار به عنوان یک فرد، آینه تمام نمای زندگی انسانی، نوع دوستی و احسان، صبر و گذشت، عفت و حیا و قدرت و صلابت است.

هرچند زنان بسیاری به لحاظ فضایل اخلاقی و انسانی و نقش آفرینی در جهان بشریت در طول تاریخ خوش درخشیده اند، هیچ زنی به پای حضرت زهرا^(س) نرسیده است زیرا ایشان به رغم عمر کوتاه خود، آثار و برکات فراوانی برای همه زمان ها به یادگار گذاشت. زندگی حضرت فاطمه زهرا^(س) پر است از آموزه های دینی و قرآنی که هر انسانی از آن الگوبرداری کند، گوی سعادتمند خواهد بود و خود و انسان های پیرامون خود را به سر منزل مقصود حیات خواهد رسانید.

لازمه این امر آشنایی بیش از پیش زنان با ارزش ها و توانمندی های انسانی خویش و نقش حساس و مهمشان در دستیابی جامعه انسانی به اهداف خود و هم چنین تلاش آن ها در راستای بهره گیری از الگوی زنان عالم، حضرت فاطمه زهرا^(س)، و آسان سازی ایفای نقش خود در مسیر اعتلای جامعه است.



عکس ترافیک است



شبنم کرمی

روزنامه نگار

(فروغ)

چتری از آگاهی بر سر کاربران خانه دار

«عزت خان نزدا هالی محل خیلی عزت و احترام داشت. یلی بود. همه محله به سرش قسم می خوردند. خیرش به همه اهالی می رسید. حتی بچه ها سهمیه روزانه نخود و کشمش و آب نبات عسلی پیش عزت خان داشتند. خیر نبیند این کرونا که مرد و نامرد شناخت و عزت محله ما را گرفت. اما کرونا تنهایی دست به کار نشد، بلکه ناآگاهی یا -بهرتر بگویم- اخبار نادرست هم دست به دستش دادند. عزت خان با اخبار نادرستی که از گروه خانوادگی گرفته بود، هر چه گفتیم و اکسن نزد و سرانجام کرونا گرفت و حالش که کمی روبه وخامت گذاشت، هر چه به اهل و عیالش گفتیم باید در بیمارستان بستری شود، زیر بار نرفتند که نرفتند. می گفتند: «توی فلان کانال و گروه گفتن مریضتونو بیمارستان نبرین که همه کسایی که بستری شدن مردن!» یا «از یک جایی خوندم اسپند دم می کنیم، می دیم بهش، خوب می شه!» ***

همه ما هر روز ناگزیر در معرض بمباران خبری رسانه ها و فضای مجازی هستیم. از گروه های دوستانه و همکاری تا خانوادگی، اعضا مرتب در حال انتقال و جابه جایی مطالب گوناگون هستند، اما چند درصد مطالبی که می خوانیم، می بینیم یا می شنویم صحت دارد؟ چگونه می توان از درستی آن ها اطمینان یافت؟ از چه راهی بدانییم موضوعی که به اشتراک می گذاریم از چه منبعی منتشر شده است؟ وقتی از منبع و درستی مطالبی اطمینان نداریم و آن را به نفر یا گروه بعدی منتقل می کنیم، چه آثاری بر زندگی و سرنوشت دیگران می گذاریم؟ و صدها «آیا» و «چرا» و «چگونه» دیگر.

انتشار اطلاعات به واسطه دسترسی همگان به فضای مجازی چنان سرعت گرفته است که تنها در لحظه ای، مطالبی با دست به دست شدن مکرر، در اختیار همه کاربران اینترنت قرار می گیرد. از آنجا که استفاده از هر امکانی سواد و آگاهی خود را می خواهد، نبود علم لازم هنگام بهره مندی از رسانه می تواند بسیار ضربه زننده و ویرانگر باشد. هنگامی که یک وسیله مانند گوشی تلفن همراه جدید می خریم، ابتدا به دفترچه راهنمای آن برای استفاده درست و پیش گیری از آسیب به دستگاه مراجعه می کنیم. پس چگونه است که وقتی محتویات تازه ای مبتنی بر اخبار و اطلاعات از طریق همین گوشی همراه دریافت می کنیم، هرگز نیازی به داشتن سواد برای استفاده از آن در خود نمی بینیم؟

این روزها با توجه به گسترش وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی، سواد رسانه ای به مقوله ای تبدیل شده است که دیگر ویژه خبرنگاران و روزنامه نگاران نیست. هر فردی که در روز حتی یک مطلب و خبر را از جایی وام گرفته است و منتشر می کند، حکم خبرنگاری را دارد که در این کار نیازمند انصاف و آگاهی است.

شاید یکی از اقشار اثرگذار و اثرپذیری که از این طریق پیوسته در معرض اطلاعات و اخبار روزمره قرار دارند بانوان خانه دار باشند. این قشر با توجه به شرایط خود، استفاده از اطلاعات فضای مجازی و اینترنتی و به اشتراک گذاشتن اطلاعات با هم مسلکان را روشی برای بهبود مراودات و سطح دانسته ها و زندگی خود قلمداد می کند. این در حالی است که هیچ روشی برای آموزش سواد رسانه ای و اینکه چقدر از اطلاعات دریافتی و منتشر شده از سوی آن ها درست است برای خود در نظر نگرفته اند و با اطمینان کامل به مطالبی که دریافت می دارند، آن ها نیز سهم خود را در انتشار اخبار و مדיاها ایفا می کنند. به یقین، دیده شدن هم زمان یک موضوع در چندین کانال و گروه و اپلیکیشن نمی تواند دلیلی برای صحت آن باشد.

انتشار خطاهای کودکان ناشی از مشکلات تحصیل بر خط کودکان برای خنده دیگران، نمونه دیگری از بی سوادی رسانه ای است که به عنوان رفتاری آسیب زا این روزها بسیار دیده می شود، اما با نگاه آگاهانه هنگام باز نشر آن، اگر تصور کنیم این کودک ماست و با این کار تا چه حد می تواند دچار آسیب روحی و روانی شود، آنگاه قطعاً در رفتار رسانه ای خود بازنگری و پیش گیری بیشتری را لحاظ می کنیم.

بنابراین، بررسی منابع و درستی مطالب و هم چنین اندیشه و برخورد منطقی در انتشار برخی از آن ها می تواند از بروز بسیاری از آسیب های امروز و فردایمان بازدارنده باشد.



شهربانو

۲۴ آبان ۱۴۰۰
۹ ربيع الثانی ۱۴۴۳ شماره ۲۵۹۶

(۲)